



## تأثیر مشارکت سیاسی بر جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (مورد مطالعه: مقایسه تطبیقی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ و ۱۴۰۰)\*



محمد آقاعلیخانی\*\* - دکتر اصغر پرتوی\*\*\*

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

### چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نشان از خواست و اراده مردم و تجلی‌گر مشارکت سیاسی می‌باشد. مشارکت سیاسی فعال در ایران پس از انقلاب، همواره مورد تأکید امام (ره) و رهبری و مسئولان کشوری بوده است، اما در چهار دهه پس از پیروزی انقلاب ما شاهد فراز و نشیب‌هایی در این زمینه بوده‌ایم که هدف مقاله حاضر نیز بر بررسی مقایسه تطبیقی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ و ۱۴۰۰ بود است. در حقیقت به دنبال بررسی این موضوع هستیم که مشارکت سیاسی بر جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری خواهد داشت؟ و این تأثیرات در سال ۱۳۹۲ و سال ۱۴۰۰ چگونه قابل تبیین است؟ روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و نتیجه کلی مقاله نشان می‌دهد که هرچقدر مشارکت سیاسی افزایش یابد، جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران مستحکم‌تر خواهد شد و این مسئله در زمان انتخابات سال ۱۳۹۲ خود را در مسئله برجام کاملاً نشان داد و یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هرچقدر مشارکت سیاسی کاهش یابد، جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران متزلزل‌تر خواهد شد که این مسئله در انتخابات سال ۱۴۰۰ بیشتر حس گردید.

### کلیدواژگان

مشارکت سیاسی، انتخابات، مشروعیت، نظام بین‌الملل، جایگاه بین‌الملل

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری علوم سیاسی محمد آقاعلیخانی با راهنمایی دکتر اصغر پرتوی است.

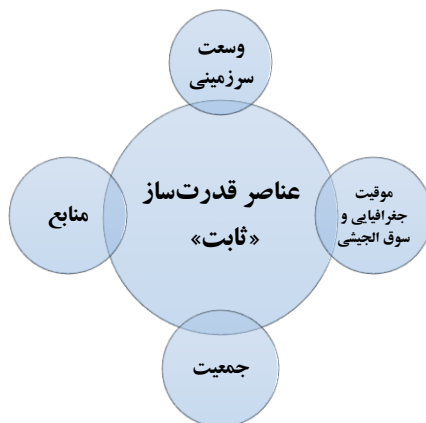
\*\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\*\*\* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. / نویسنده

مسئول / ایمیل: [asghar.partovi@iauz.ac.ir](mailto:asghar.partovi@iauz.ac.ir)

## مقدمه

اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل همگی بر این عقیده متفق‌القول‌اند که همانا سیاست خارجی تداوم سیاست داخلی است. بر اساس این اصل غیرقابل‌انکار باید اذعان داشت که ارتباط، درهم تنیدگی و چسبندگی حوزه سیاست داخلی با سیاست خارجی از مهم‌ترین عرصه‌های تحول مفهومی در عرصه سیاست خارجی است. اگر در گذشته این امکان وجود داشت که بین مسائل سیاست داخلی و سیاست خارجی تفکیک و فاصله‌ای روشن را ترسیم نماییم اما امروزه این حد فاصل و انفکاک از بین رفته است و هر تصمیمی که در عرصه سیاست داخلی اتخاذ می‌گردد در محیط خارجی و بین‌المللی نیز تأثیرات مستقیم و آشکاری را از خود برجای می‌گذارد، همان‌گونه که تحولات خارجی نیز موجب تغییر و دگرگونی در سطوح ملی و سیاست‌های داخلی کشورها می‌گردند. به دیگر تعبیر، سیاست خارجی و دیپلماسی هر کشور به صورت مستقیم با عناصر و فاکتورهای تعیین‌کننده قدرت ملی آن کشور در ارتباط است. برخی از این عناصر همچون وسعت سرزمینی، موقعیت جغرافیایی و سوق‌الجیشی، منابع طبیعی و جمعیت به‌عنوان عناصر قدرت ساز «ثابت» مطرح‌اند.



شکل ۱. عناصر قدرت‌ساز (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲)

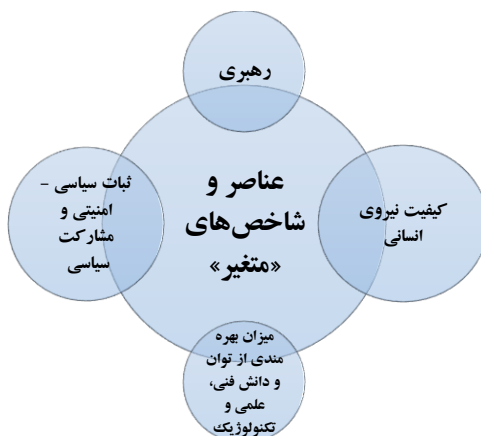
Figure 1. Power building elements

(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲)؛ (Source: Authors, 2023)

برخی دیگر از عناصر همانند رهبری، کیفیت نیروی انسانی، میزان بهره‌مندی از توان و دانش فنی، علمی و تکنولوژیک، رشد اقتصادی، درآمد سرانه، ثبات سیاسی - امنیتی و از جمله مشارکت سیاسی تحت عنوان عناصر و شاخص‌های «متغیر» قدرت واحدهای سیاسی شناخته شده‌اند.

<sup>1</sup>. Foreign policy

<sup>2</sup>. Domestic policy



شکل ۲. عناصر و شاخص‌های «متغیر» (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲)

Figure 2. "Variable" elements and indicators

(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲)؛ (Source: Authors, 2023)

در جوامع، مشارکت سیاسی نوعی تظاهر اراده مردم برای تعیین سرنوشت جمعی خود است. فقط از طریق مشارکت است که قدرت سیاسی به طریق مسالمت‌آمیز دست‌به‌دست می‌گردد و میزان توسعه سیاسی یک کشور بستگی مستقیم به این مؤلفه دارد. مشارکت سیاسی موجب افزایش درک سیاسی شهروندان، مسئولیت‌پذیری، تقویت احساس کنترل شهروندان نسبت به نظام سیاسی و تعهدات آنان نسبت به حکومت می‌شود. یکی از موضوعات و مباحث مهم در حوزه «مشارکت سیاسی» همانا «انتخابات» است. هرچند انتخابات یکی از مصادیق مهم در حوزه سیاست‌های داخلی کشور است که تمامی کشورها آن را از جمله مسائل ملی خود قلمداد می‌نمایند لیکن رابطه تعاملی انتخابات و سیاست خارجی به عنوان نمونه عینی از موضوع درهم تنیدگی سیاست داخلی با سیاست خارجی است و محدود به کشور یا کشورهای خاصی نیز نبوده و یک پدیده سیاسی فراگیر است. چسبندگی و ارتباط دوسویه مرزهای سیاست خارجی و داخلی یک واقعیت مشهود و ملموس است. در عصر وابستگی‌های متقابل، بین جامعه مدنی و سیاست‌گذاری خارجی پیوندی عمیق و ناگسستنی وجود دارد. رشد جامعه مدنی موجبات اصلاح ساختاری و کارکردی سیاست‌گذاری خارجی را فراهم می‌کند. به عبارتی حمایت و پشتیبانی افکار عمومی در داخل و سطوح ملی منجر به تقویت موضع و ایجاد ظرفیت‌های فراوان برای کشور در عرصه تعاملات و مناسبات دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌گردد. بی‌شک مشارکت و حضور حداکثری مردم در عرصه انتخابات می‌تواند تأمین‌کننده اهدافی همچون افزایش روند توسعه سیاسی، تحکیم و گسترش وحدت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تقویت پیوندهای مردمی و نظام حاکم در مقابله با تهدیدات مشترک باشد، چرا که بین مشارکت سیاسی و تقویت نقش کشورها در عرصه سیاست خارجی و نیز تأمین منافع و امنیت ملی رابطه مستقیم و تنگاتنگی وجود دارد.

بنابراین نگارنده به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که مشارکت سیاسی بر جایگاه بین‌المللی

جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری خواهد داشت؟ و این تأثیرات در سال ۱۳۹۲ و سال ۱۴۰۰ چگونه قابل تبیین است؟ روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و فرضیه پژوهش بر این مسئله استوار است که هرچقدر مشارکت سیاسی افزایش یابد، جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران مستحکم‌تر خواهد شد و این مسئله در زمان انتخابات سال ۱۳۹۲ خود را در مسئله برجام کاملاً نشان داد و هرچقدر مشارکت سیاسی کاهش یابد، جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران متزلزل‌تر خواهد شد که این مسئله در انتخابات سال ۱۴۰۰ بیشتر حس گردید. با این شرایط مقاله حاضر سعی بر این خواهد داشت تا موضوع تأثیر مشارکت سیاسی بر جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (مورد مطالعه: مقایسه تطبیقی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ و ۱۴۰۰) را بررسی نماید.

### ۱- پیشینه

در قبال مسئله تعریف‌شده در قسمت بالا تحقیقات گسترده‌ای صورت نگرفته است؛ و بررسی‌ها نشان دهنده آن است که حتی یک عنوان موضوعی نیز در این زمینه یافت نمی‌گردد، اما نزدیک‌ترین منابع به عنوان پیشینه می‌تواند شامل مواردی مانند عناوینی که در ادامه ذکر می‌گردد، باشد:

به‌طور مثال کیانی و همکاران (۱۴۰۱)، در بررسی و تجزیه و تحلیل تأثیر مشارکت سیاسی بر امنیت ملی در دولت اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴) به این نتیجه می‌رسند که جمهوری اسلامی ایران، با در نظر گرفتن افزایش پاسخگویی دولت، بالا رفتن میزان مشارکت مردمی در انتخابات گوناگون و همچنین در پیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی در سیاست خارجی، همبستگی ملی بالا رفته و در نتیجه می‌توان گفت احساس امنیت در بعد ملی نیز حاصل شد. (کیانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۲۹۳-۳۳۰۵). (Kiani et.al., 2021, 3293-3305).

عباسی (۱۴۰۱) در بررسی جامعه‌شناختی کنش انتخاباتی ایرانیان در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۰.ش به این نتیجه می‌رسد که رخداد کنش تحریم انتخابات پس از پایان دوره رهبری اول به این سو شکل گرفته و تا سال ۱۴۰۰.ش. به علل و شرایط گوناگونی دچار قبض و بسط شده است. مثال‌های بالا نشان دهنده آن است که نزدیکی عناوین پیشینه با موضوع حاضر بسیار فاصله دارد و در این زمینه کار چندانی نشده است. (عباسی، ۱۴۰۱: ۴۱-۷۳)؛ (Abbasi, 2023: 41-73).

سعیدی (۱۳۹۸) در کتاب «درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمانهای غیر دولتی» معتقد است که تجربه جهانی نشان می‌دهد که برای نیل به توسعه پایدار راهی جز عملیاتی کردن سیاست مشارکت و بخش غیردولتی وجود ندارد. برای گسترش بخش غیردولتی باید به تدریج بخش دولتی، به انجام امور حاکمیتی بسنده و در بیشتر امور که ماهیت تصدی‌گری دارند، نقش نظارت‌عالیه را ایفا کند. (سعیدی، ۱۳۹۸: ۱-۳۱۲)؛ (Saidi, 2018: 1-312).

شهبازی (۱۳۸۰)، در کتاب «تقدیر مردم‌سالاری: نقش انتخابات در روند دموکراسی ایران» موضوعاتی شامل: تعاریف و تفاسیر مختلف دموکراسی، مقایسه انتخابات ریاست جمهوری در چند

کشور مختلف، عوامل تسهیل‌کننده روند دموکراسی نقد و تحلیلی از قانون اساسی جمهوری اسلامی و انتخابات دوره‌های مختلف ریاست جمهوری در ایران را بررسی می‌نماید (شهبازی، ۱۳۸۰: ۳۶۰-۱)؛ (Shahbazi, 2008: 1-360).

نقطه ضعف منابع فوق‌الذکر عدم تطبیق انتخاباتی و تأثیر مشارکت سیاسی بر جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است که مقاله حاضر سعی بر آن دارد تا این نقاط ضعف را بررسی نماید.

## ۲- چارچوب نظری

اگر توسعه سیاسی را به معنی «گسترش مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی» در نظر بگیریم (بشیریه، ۱۴۰۱: ۱۱)؛ (Bashiriyeh, 2002: 11). بی‌شک یکی از پیش‌نیازهای آن مشارکت سیاسی خواهد بود؛ به این معنی که توسعه سیاسی زمانی تحقق‌پذیر است که درصد جلب مشارکت مردم به عنوان سازندگان اصلی حیات سیاسی و اجتماعی باشیم. مشارکت از نظر لغوی به معنای «شرکت دوجانبه و متقابل افراد برای انجام امری خاص» می‌باشد (غفاری، ۱۳۸۶: ۱۲)؛ (Ghafari, 2008: 12).

مشارکت از لحاظ مفهومی گستردگی وسیعی دارد. به همین خاطر، در ادبیات توسعه از مشارکت سیاسی تعاریف متعددی ارائه شده است. به عنوان نمونه، میلبراث و گوئل<sup>۲</sup> در تعریف مشارکت سیاسی می‌نویسند: «فعالیت‌های شهروندان آزاد که هدف از انجامش حمایت و یا تأثیرگذاری بر سیاست و حکومت می‌باشد» (Milbrath and Goel, 1972: 2)؛ یا وربا و نی<sup>۳</sup> در همین رابطه می‌نویسند: «فعالیت‌های شهروندان آزاد که هدف از آن کم‌وبیش تأثیرگذاری بر انتخاب کارمندان حکومتی و نیز خط‌مشی‌هایی است که آن‌ها انتخاب می‌کنند» (Verba and Nie, 1979: ۲)؛ تعاریف دیگری نیز در این رابطه وجود دارد که در زیر به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: «تمام فعالیت‌های شهروندان که هدفش مستقیم و یا غیرمستقیم تأثیرگذاری بر انتخابات سیاسی می‌باشد که در سطوح مختلف یک نظام سیاسی گرفته می‌شود» (Kaase and March, 1979: 42)؛ «فعالیت‌هایی که شهروندان به منظور تأثیرگذاری بر تصمیماتی که کارکنان اداری و نمایندگان مردم انجام می‌دهند» (Parry et.al., 1992: 16).

در واقع، مشارکت سیاسی، ترکیب وصفی است که دخالت مردم در امور سیاسی یعنی حکومت‌داری را معنا می‌کند. مشارکت سیاسی در پی فرایند اجتماعی شدن انسان‌ها و دخالت در امور مدیریت سیاسی کشورها وارد ادبیات سیاسی نظریه‌پردازان دنیای سیاست شد. از قرن شانزدهم میلادی و به دنبال فروپاشی نظام سیاسی کلیسا و ورود نظریه قرارداد اجتماعی به مباحث سیاسی و تأکید متفکران عصر روشنگری بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود، بحث مشارکت سیاسی و جامعه مدنی وارد ادبیات سیاسی مغرب زمین شد؛ و بر پایه آموزه‌های عصر روشنگری و نظریه

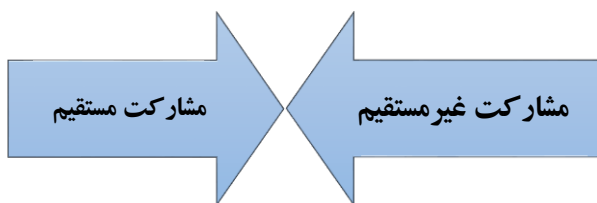
<sup>1</sup>. Political development

<sup>2</sup>. Milbrath and Goel

<sup>3</sup>. Verba and Nie

«قرارداد اجتماعی» مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی با اجتماعی شدن سیاست رابطه نزدیکی پیدا کرد (رایش، ۱۳۹۹: ۱۲۳)؛ (Reich, 2019: 123). اجتماعی شدن و مشارکت سیاسی در نظام سیاسی عصر نوین همراه با مدرنیته، لازم و ملزوم یکدیگر در امر حاکمیت و حکومت در دنیای نوین دانسته شده‌اند. در بین اندیشه‌های حاکم بر جامعه نوین، مشارکت سیاسی، دخالت هرچه بیشتر مردم و گروه‌های اجتماعی در مسائل سیاسی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دانسته می‌شود. مشارکت سیاسی در این معنا نوعی اختیار و آزادی عمل فردی است که به وسیله آن نوعی اعمال اراده و قدرت تصمیم‌گیری جمعی که مشروعیت حکومت را تضمین می‌کند، دیده می‌شود. کنار گذاشتن خشونت و نارضایتی و عمل کردن فرد بر اساس رفتارها و فراگردهای جمعی که نوعی برابری همگانی را می‌طلبد جدای از سیاست مربوط به دخالت شرکت‌ها و یا کلیسا در امور سیاسی مشارکت سیاسی نامیده می‌شود (واینر و هانتینگتون، ۱۳۹۹: ۱۴۱)؛ (Vainro, M. Huntington, 2019: 141). رابطه متقابل و انتظار از یکدیگر حوزه گسترده‌ای برای مشارکت سیاسی فراهم ساخته که عملکرد فرد در سازمان‌ها و نهادهای جامعه را در گستره مشارکت سیاسی نشان می‌دهد.

مشارکت سیاسی دارای دو تقسیم‌بندی است:



شکل ۳. تقسیم‌بندی مشارکت سیاسی (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲)

Figure 3. Classification of political participation

(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲)؛ (Source: Authors, 2023)

دخالت در تعیین سرنوشت و انتخاب و نظارت بر نظام سیاسی حاکم بر خود به صورت رأی دادن در چارچوب احزاب فراگیر را می‌توان مشارکت سیاسی مستقیم نامید، همچون انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در ایران؛ اما مشارکت سیاسی غیرمستقیم، راهکاری برای دخالت مردم در امور سیاسی است به طوری که در این سیستم سیاسی، فعالیت‌های حزبی اولویت اول را داراست. در این سیستم، نظام سیاسی و دولت حاکم بر آن، برآمده از رأی مستقیم و انتخاب رهبر سیاسی کشور به وسیله مجلس می‌باشد، مانند انتخاب رئیس‌جمهور در آمریکا و چین. در آمریکا به عنوان نظام سیاسی دو حزبی، مشارکت سیاسی در قالب دو حزب نمود می‌یابد و در چین فعالیت در حزب کمونیست و انتخاب دبیر کل حزب به عنوان رهبر سیاسی از دیگر مصادیق مشارکت سیاسی است.

در نظام جمهوری اسلامی ایران مشارکت سیاسی به معنای حق دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود با توجه به آموزه‌های سیاسی-دینی است. بر همین اساس دخالت مردم در امر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نظارت بر آن‌ها با توجه به اصل اول قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. این مشارکت مبتنی بر اصول قانونی، مذهبی و عرفی حاکم بر روابط اجتماعی مردم ایران، لازمه حفظ و انسجام نظام جمهوری اسلامی ایران است (سعیدی، ۱۳۹۸: ۲۰-۲۲)؛ (Saïdi, ۲۰۲۲: ۱۸). می‌توان گفت که مشارکت سیاسی هرگونه رفتار و عمل فردی است که هدف آن تحت تأثیر قرار دادن سیاست‌گذاری‌های عمومی یا انتخاب رهبران سیاسی و یا اعمال نظر رهبران بر مردم یا به طور خلاصه حوزه تصمیم‌گیری و تقاضا در بین مردم و دولت است.

اما در تحلیل این تنوری (مشارکت سیاسی) در قبال موضوع نیز بایستی این امر را بیان نمود که پارادایم غالب در حوزه نظریه فرهنگی در محافل علمی و پژوهشی ایران، ترجیح نظریه‌ای است که فرهنگ را مبدع و تسهیل‌کننده اصلی (اگر نگوئیم منبع) همه کنش‌های اجتماعی و انسانی بداند. واقعیت این است که آن‌ها بر نقش فرهنگ سیاسی در شکل‌گیری حکومت و ساختارهای سیاسی و تأثیر آن در تعیین رفتار سیاسی تأکید دارند. مثلاً در فرهنگ و جامعه ما همیشه نگاه و نگرش منفی به سیاست وجود داشته است. علاوه بر این، به گفته آن‌ها، فرهنگ سیاسی ثابت فرض می‌شود و در واقع همین ثبات است که در طول زمان مشخصه یک ملت است (نقش عناصر برجسته فرهنگ سیاسی ایران در اینجا به چشم می‌خورد). لازم به ذکر است که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تغییر نحوه ارتباط مردم با حاکمیت و همسویی مثبت مسئولین و شهروندان ایران می‌تواند مؤید و تثبیت‌حقایق باشد. آرمان‌های جهانی انقلاب اسلامی در مقیاس جهانی و همچنین برای ترویج گفتمان چند فرهنگی در سطح جهانی، ما (در همه دولت‌ها) شاهد تغییرات مشهود و ملموس مدنی و چند فرهنگی در فرهنگ‌های سیاسی حاضر هستیم.

آنچه مهم خواهد بود، و بایستی به صورت حقیقی بدان پرداخت این می‌باشد که با نکته‌بینی به حاضر بودن این موقعیت قدیمی که هم در بعد ملی (وجود سیستم شرعی مردم‌سالار مورد اتکا اغلب شهروندان) و هم در بعد جهانی می‌بایست دوران را غنیمت محسوب کرده و از ذهنیت استبدادزده باستانی با ویژگی‌های منحصربه‌فرد به آن که همراه با نبود بینش و کاستی تجربیات رقابت سیاسی و ایضاً مشکلات هاضمه سیاسی اجتماع به حاجت کشش دسته‌های گوناگون مشارکت‌جو می‌باشد، دوری نموده و با پیدایش تغییر در مجموعه این فرهنگ سیاسی رسوب نموده است. با وجود بی‌اعتمادی، مبالغه و زیاده‌روی، عمل‌های دوگانه، رغبت به فرضیه توطئه و توهم و ... در نهاد انفرادی ما باید با حاضر نمودن عرصه‌های مشارکت و رقابت برای تمام مجموعه‌ها و ایضاً سازگار کردن کیفیت به قصد نقش‌آفرینی ملت در زندگی و بخت خویش از فرصت به وجود آمده به وضعیت مشروح، معقول و بهینه بهره‌برداری کنیم. حال نگارنده این سؤال را در نهایت تحلیل نظریه مطرح می‌نماید که از این فرصت تا چه اندازه‌ای استفاده شده است؟ برای پاسخ به این سؤال پس از بررسی وضعیت مشارکت انتخاباتی در سالهای ۱۳۹۲ و ۱۴۰۰، موضوع فرصت‌ها یا چالش‌ها بیشتر خود را نشان می‌دهد.

### ۳- تاریخچه مشارکت سیاسی در ایران

این دوره (پس از پیروزی انقلاب اسلامی) را می‌توان به چند دوره (بر اساس نمونه‌ها) از نظر سیاسیون و صاحب‌نظران تاریخ معاصر ایران از نظر رقابت سیاسی تقسیم کرد:

#### ۳-۱- دوره بین ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰

در دوره کوتاه ۶۰-۱۳۵۷ به دلیل شرایط خاص سیاسی-اجتماعی حاکم بر کشور، شاهد مشارکت و رقابت سیاسی بالا در عرصه‌های مختلف بودیم که قدرت استبدادی شاه را به زیر کشید. انقلاب و سرنگونی حکومت شاه طبیعتاً تغییراتی را در ساختار سیاسی کشور به دنبال داشت. از ویژگی‌های مهم این تحولات (مثلاً احزاب) می‌توان آن را به‌عنوان کانال مهم مشارکت و رقابت سیاسی در عرصه انتخاباتی و پارلمانی یاد کرد.

#### ۳-۲- دوره بین ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰

در مجموع، این دوره (۱۳۶۰-۷۶) شاهد ظهور یک الیگارش‌ی نسبتاً بسته و محدود شدن مشارکت و رقابت سیاسی بود، در شرایطی که همکاری حکومت نوین اسلامی با حزب‌ها و دسته‌های سیاسی وارد دور نوینی شد (میلانی، ۱۳۸۵: ۳۴-۴۲)؛ (Milani, 2016: 34-42).

#### ۳-۳- بازه زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲

اما در دوره بعدی (۱۳۷۶-۸۲) تأسیس نیروهای جدید سیاسی-اجتماعی (روشنفکران)، چالشی جدی میان گفتمان سنتی و گفتار دموکراسی و اجتماع مدنی، به شکل گرفتن نهضت دوم خرداد انجامیده با استراتژی دموکراسی و پیشرفت سیاسی، سوگند خوردن رئیس‌جمهوری، توسعه‌ی جراید و انتشارات، پیشرفت ارتباط‌های آنلاین، بازگشتن عرصه‌های سیاسی و عوامل تأثیرگذار دیگر، توسعه سیاسی موقعیت مناسبی پیدا می‌کند (شهرام‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۰۳-۳۴۰)؛ (Shahramnia, 2016: 303-340).

#### ۳-۴- بازه زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲

پیروزی محمود احمدی‌نژاد در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳ و خاستگاه اجتماعی و ویژگی‌های اخلاقی وی برای ناظران کشور و پژوهشگران خارجی امور سیاسی کاملاً غیرمنتظره بود. او در مبارزات انتخاباتی خود بیشتر به سیاست داخلی و اوضاع اقتصادی کشور و کمتر به سیاست خارجی پرداخت. در واقع، محمود احمدی‌نژاد در تلاش بود تا از سنت‌هایی که اسلام را به‌عنوان یک دین جهانی در کانون توجه قرار می‌دهد، الگوبرداری کند. بنابراین مفهوم سیاست خارجی متأثر از اندیشه‌های انقلاب اسلامی بود (ازغندی، ۱۳۹۴: ۱۲۵-۱۴۹)؛ (Azghandi, 2014: 125-149).

#### ۳-۵- ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰

روابط با جهان، تنش‌زدایی و محافظه‌کاری گفتمان‌های غالب در سیاست جمهوری اسلامی از زمان انتخابات سال ۱۳۹۲ که در آن حسن روحانی به ریاست جمهوری رسید، بوده است. زمانی که حسن

<sup>1</sup>. Oligarchy

<sup>2</sup>. Political competition



روحانی به عنوان رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی انتخاب شد، دولت او رویکرد متفاوتی نسبت به گذشته در سیاست داشت.

### ۳-۶- سال ۱۴۰۰ به بعد

در این دوره شاهد مشارکت پایین هستیم و علل آن را نیز در بخش‌های دیگر بررسی خواهیم نمود.

### ۴- میزان مشارکت سیاسی مورد مطالعه

در ابتدای امر آماری کلی از میزان مشارکت در انتخابات سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۴۰۰ ارائه خواهد

شد:

#### ۴-۱- سال ۱۳۹۲

بر اساس آمار اعلام‌شده، در مجموع ۳۶ میلیون و ۷۰۴ هزار و ۱۵۶ نفر در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم شرکت کردند که نشان‌دهنده حضور ۷۲٫۷ درصدی مردم در این انتخابات بوده است. از مجموع ۵۰ میلیون و ۴۸۳ هزار و ۱۹۲ نفر واجد شرایط رأی‌دادن، ۳۶ میلیون و ۷۰۴ هزار و ۱۵۶ نفر در انتخابات مشارکت کردند که حد نصاب ۷۲٫۷ درصد مشارکت را تشکیل دادند. نتیجه نهایی انتخابات به شرح زیر اعلام شد:



شکل ۴. نتایج انتخابات سال ۱۳۹۲

Figure 4. Election results of 2013

(منبع: ستاد انتخابات کشور، ۱۳۹۲)؛ (Source: National Election Headquarters, 2013)

#### ۴-۲- سال ۱۴۰۰

مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ به مهم‌ترین مؤلفه تبدیل شد و رقابت انتخاباتی را از حالت دوقطبی خارج کرد. بر اساس تجمیع نتایج صندوق‌های رأی انتخابات ریاست جمهوری از مجموع واجدین شرایط ۵۹ میلیون و ۳۱۰ هزار و ۳۰۷ نفر در انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری، ۲۸ میلیون و ۹۳۳ هزار و ۴ رأی اخذ شده با مشارکت ۴۸٫۸ درصد در انتخابات شرکت کردند.



شکل ۵. نتایج انتخابات سال ۱۴۰۰

Figure 5. Election results of 2021

(منبع: ستاد انتخابات کشور، ۱۴۰۰)؛ (Source: National Election Headquarters, 2021)

#### ۳-۴- تطبیق مشارکت انتخاباتی مورد مطالعه

با نگاهی بر میزان مشارکت سیاسی در بین سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۴۰۰ دیده می‌شود که حضور و مشارکت از حالت افزایشی، روندی رو به کاهش داشته است؛ اما چه عواملی سبب گشته است که از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۴۰۰ مشارکت حالت کاهشی پیدا نماید؟

رقابت‌های سیاسی (انتخابات) در ایران مهم‌ترین ابزار مردم‌سالاری دینی و ابزاری برای گسترش نخبگان به شمار می‌رود. اگرچه امروزه انتخابات و صندوق‌های رأی بخشی از تأثیرات بر حق تعیین سرنوشت مردم تلقی می‌شود و تحولات مدرن در حکومت‌داری به سیاستمداران فضای بیشتری داده است تا در دوران تصدی خود، سیاست را مطابق با خواست مردم تنظیم کنند، اما همچنان می‌توان انتخابات را برگزار کرد. اما آنچه که نگارنده را بر آن داشته است که این موضوع را مطرح نماید این است که چه عواملی باعث سیر نزولی و کاهشی شدن مشارکت‌ها، از انتخابات ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۴۰۰ شده است؟ چند مؤلفه اصلی در این زمینه عبارت‌اند از:

#### ۳-۴-۱- احراز و رد صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان

وارد کردن اتهام رفتار سیاسی و یا جناحی به شورای نگهبان از سوی نامزدهای رد صلاحیت شده و برخی گروه‌ها همواره پای ثابت انتخابات در ایران است. اگرچه مطابق سیاست‌های کلی انتخابات، دلایل کتبی رد صلاحیت افراد در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد اما این سازوکار هم نتوانسته است، منجر به افزایش اعتماد عمومی و سرمایه‌ی اجتماعی نهاد شورای نگهبان گردد. شورای نگهبان اگرچه خود را پایبند به رعایت مَر قانون و شرایط ذکر شده برای احراز یا رد صلاحیت معرفی

<sup>1</sup>. Social capital

می‌کند، اما بسیاری از مردم به واسطه شناخت نزدیک از نامزدها نمی‌توانند بر تشخیص شورای نگهبان صحه بگذارند. ضعف اطلاع‌رسانی شورا و عدم برخورد صحیح با مدعیان، منجر به ضربات حیثیتی بر پیکر این نهاد حیاتی شده است، تا جایی که گاهی بازیگرانی ناشناس با انتشار اسناد تخلف از طرق غیر مرسوم مؤید تشخیص شورای نگهبان می‌گردند.

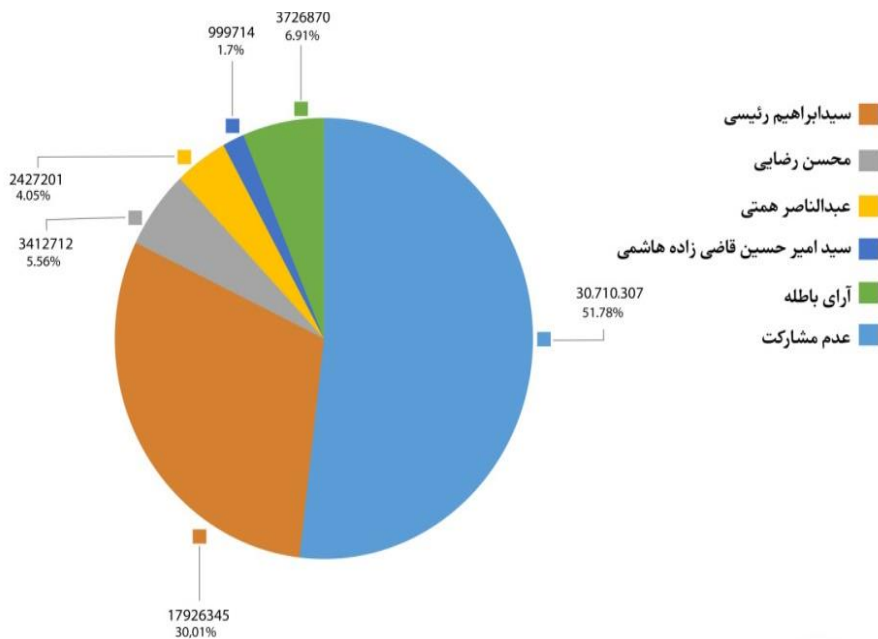
#### ۴-۳-۲- مشکلات اقتصادی و ناکارآمدی مسئولان

در انتخابات ۱۴۰۰ یکی از مسائلی که مشارکت در انتخابات را تحت تأثیر قرارداد، مشکلات اقتصادی مردم بود. برخی رسانه‌های داخلی و جریان‌های سیاسی علت اصلی مشارکت نکردن مردم در انتخابات را مسائل سیاسی مثل عدم احراز صلاحیت برخی نامزدها و حضور نداشتن نامزد موردعلاقه عنوان کرده بودند، اما نارضایتی مردم از مشکلات اقتصادی و ناکارآمدی مسئولان سهم مهمی در این عدم مشارکت داشت. به‌طور مثال در سال ۱۳۹۲ مردم به امید بهبود شرایط اقتصادی و امید به موضوع حل مشکلات هسته‌ای و رفع تحریم‌ها، در انتخابات شرکت نموده اما در سال ۱۴۰۰ چنین امیدی وجود نداشت. بی‌ثباتی و افزایش نرخ ارز، کاهش نرخ رشد اقتصادی، تولید ناخالص ملی و... به‌ویژه در دوره دوم ریاست جمهوری روحانی (۱۳۹۶)، همگی بیانگر اوضاع نابسامان اقتصادی ایران است. یقیناً اگر تا زمان انتخابات ۱۴۰۰ تغییری در وضعیت عمومی زندگی و معیشت مردم ایجاد شده بود و مسئولان دولت قبل به تعهدات خود درقبال مردم عمل می‌کردند، به احتمال فراوان مشارکت مردم در انتخابات کمتر از ۵۰ درصد نبود.

#### ۴-۳-۳- تک‌قطبی شدن انتخابات ۱۴۰۰

یکی از مهم‌ترین مسائل کم شدن مشارکت در سال ۱۴۰۰ به دلیل همین موضوع می‌باشد، به طوری که در سال ۱۳۹۲ در قسمت‌های قبل نیز آورده شده رقیب جدی برای حسن روحانی وجود داشت (محمدباقر قالیباف)؛ اما این موضوع نسبت به انتخاب ابراهیم رئیسی دیده نمی‌شود. در حقیقت در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ پیش‌بینی می‌شد دوقطبی‌هایی بین نامزدهای احتمالی انتخابات ریاست جمهوری تشکیل شود. پیش‌بینی‌ها حکایت از دوقطبی «رئیس-ظریف» و «رئیس-لاریجانی» می‌داد. در این خصوص نیز مراکز افکارسنجی به نظر مردم و رأی آنان به این دوگانه‌ها پرداختند. اما پس از اعلام اسامی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان، شاهد حضور نامزدهایی بودیم که امکان تشکیل فضای دوقطبی رقابتی بین آنان وجود نداشت و از سوی دیگر برخی از گروه‌های سیاسی مطرح نیز اعلام کردند که در این انتخابات نماینده‌ای ندارند. به نظر می‌رسید، در صورتی که شرایط برای دوقطبی انتخابات فراهم می‌شد، مشارکت مردم در انتخابات افزایش می‌یافت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شهروندان با امید به زندگی در محیط و جامعه‌ای سالم‌تر، تمامی تلاش خود را صرف کمک، بهبود و تقویت این نظام کرده‌اند. حکومت در هر زمانی به مردم احتیاج داشت، آن‌ها به صحنه آمدند، اما متأسفانه وعده‌های پوچ و خیالی مسئولین سبب شده است تا مردم دیگر در مورد وعده‌ها آسوده‌خاطر نباشند.



نمودار ۱. نتایج مشارکت مردم در انتخابات ۱۴۰۰

Chart 1. The results of people's participation in the elections of 2021

(منبع: ستاد انتخابات کشور، ۱۴۰۰)؛ (Source: National Election Headquarters, 2021)

نمودار بالا با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی در ایران، زنگ خطری نسبت به تمام خلف وعده‌های مسئولان است، اما چرا عدم مشارکت در این دوره بیشتر به چشم می‌آید؟ تعدادی از عوامل در بخش قبل بیان گردید، اما مؤلفه‌های دیگری نیز وجود دارد:

#### ۴-۳-۵- نادیده گرفتن مشکلات اقتصادی جامعه و دلسردی مردم

این که جامعه در شرایط بد اقتصادی به سر می‌برد بر هیچ کس پوشیده نیست و همه به خوبی آگاهند که تا چه اندازه مردم با مشکلات اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و در گرفتاری به سر می‌برند اما در چنین شرایطی عده‌ای که به نظر می‌آید هیچ کدام از این دغدغه‌ها را ندارند، تنها هدفشان ورود به انتخابات ۱۴۰۰ بود؛ بی‌آنکه واقعاً توجه داشته باشند اقتصاد به‌عنوان یک مسئله اساسی بر روند حضور و مشارکت مردم در انتخابات تأثیرگذار است. وقتی مردم مشاهده کنند که از یک طرف در شرایط سخت اقتصادی قرار دارند و از طرفی دیگر عده‌ای فقط به دنبال داغ کردن تنور رقابت بدون توجه به نیازهای مردم‌اند طبیعتاً دلسرد می‌شوند. بسیاری می‌گویند آن‌هایی که دغدغه انتخابات دارند باید در وهله‌ی نخست به وضعیت اقتصادی مردم بپردازند چراکه مسائل اقتصادی و معیشتی مردم مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر این انتخابات است که حتی برای امنیت ملی کشور می‌تواند خطر آفرین باشد. از سوی دیگر موضوع «اقتصاد» و «معیشت» همچنان اصلی‌ترین محور در انتخابات سال آینده خواهد بود، اما نباید فراموش کرد که سیاه‌نمایی همراه با نادیده گرفتن دستاوردها و

ضربه زدن به روحیه و اعتماد مردم، دامن همه را در کشور خواهد گرفت.

#### ۴-۳-۶- از دست رفتن سرمایه‌های اجتماعی

همچنان که اشاره شد، عده‌ای سودای انتخاباتی خود برای ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ را روی مشکلات معیشتی مردم بنا کرده بودند. این وضعیت در دل خود آسیب‌های گوناگونی دارد. برخی می‌گویند بهبود شرایط اشتغال یک سال و دو سال و ... نیست و راه درازی برای به سامان شدن مقوله اشتغال باید پیمود. هرچند این رویکرد بخشی از واقعیات و مشکلات ساختاری را می‌نمایاند اما می‌تواند باعث ناامیدی و دلسردی مردم شود. از سوی دیگر سردادن شعارهای پوپولیستی و دادن وعده‌های غیرقابل تحقق هرچند ممکن است مناصب انتخابی را برای برخی سیاسیون به بار آورد، اما نتیجه‌ی محتوم آن از میان رفتن سرمایه‌های اجتماعی خواهد بود.

#### ۴-۳-۷- عادی شدن وعده‌ها و گفته‌های توخالی

یکی دیگر از خطراتی که در نتیجه ورود شتاب‌زده عده‌ای از افراد به صحنه‌ی انتخابات به بار آورده است، وعده‌ها و گفته‌های توخالی است. صحبت‌هایی که تنها برای جلب نظر مردم زده می‌شود و در همان حد حرف هم باقی می‌ماند. عده‌ای خوب می‌دانند که رأی‌آوری نسبت مستقیمی با وعده‌ها و گفته‌هایی دارد که قبل از انتخابات بازگو می‌شود پس در شرایط کنونی خیلی سریع و شتاب‌زده خود را به‌عنوان نامزد معرفی می‌کنند و با توجه به اینکه رسانه هم در دسترس است شروع به دادن وعده‌های آن‌چنانی به مردم می‌کنند، که این امر در نوع خود می‌تواند خطرناک باشد. پس در چنین زمانه‌ای که مردم تا حدودی دلسرد شده‌اند، باید افراد و رسانه‌های آن‌ها فارغ از هرگونه نفع و منفعت شخصی و گروهی، نخست به کل نظام توجه داشته باشند؛ یعنی نه اینکه خود را از بدنه جدا کنند بلکه مسئولیت‌پذیرند و واقع‌بین باشند و به مردم اعلام کنند که مسئول بخشی از وضعیت هم آن‌ها هستند نه اینکه خود را تافته‌ای جدا بافته بدانند و خیلی سریع و شتاب‌زده خود را به‌عنوان نامزدی معرفی کنند که می‌توانند ناجی شوند.

مؤلفه‌های آشکار و نهان بسیاری در این زمینه‌های که چرا مشارکت در سالی رو به افزایش و سالی رو به کاهش سیر می‌کند وجود دارد، علاوه بر مؤلفه‌های داخلی فشارهای بین‌المللی و اثرات رسانه‌های خارجی و شبکه‌های اجتماعی در ایجاد بی‌اعتمادی، نیز از مهم‌ترین عوامل در این زمینه است. اما در حقیقت آنچه میزان مشارکت را در بین مردم (۱۳۹۲ و ۱۴۰۰) تعیین نمود، نبود ایجاد فضای رقابتی و مشکلات اقتصادی بوده است، اینکه این میزان مشارکت در بعد بین‌المللی نیز تأثیر داشته است یا خیر را نیز در مبحث بعدی دنبال می‌کنیم.

#### ۴-۴- اثرات بین‌المللی مشارکت سیاسی در ایران

انتخابات ریاست‌جمهوری علاوه بر تعیین سرنوشت داخلی، بدون شک بر روابط جاری و آتی بین‌المللی کشورمان تأثیری مستقیم و شگرف خواهد داشت. از این رو، در انتخابات این تنها مردم ایران نیستند که با حساسیتی ویژه رقابت‌های انتخاباتی را دنبال کرده و سرنوشت چهارساله خود را رقم می‌زنند؛ بلکه در کنار آنان کشورهای منطقه و قدرت‌های فرا منطقه‌ای و رسانه‌های بین‌المللی نیز با رصد دقیق روند انتخابات و فضای سیاسی و اجتماعی شکل‌گرفته از آن، تلاش می‌نمایند تا درک بهتری از فضای موجود و مواضع کاندیداهای ریاست‌جمهوری ایران پیدا کرده و به تحلیلی

دقیق‌تر از سیاست خارجی ایران در چهار سال آینده برسند.

اگر بپذیریم که هر انتخابات ملی بر روی مشروعیت و ثبات نظام سیاسی مستقر، تمامیت سرزمینی و مصالح عمومی آن کشور تأثیرگذار خواهد بود، آنگاه در خواهیم یافت که برآیند و مابه‌ازای برگزاری یک انتخابات پرشور، آزاد و امن در عرصه خارجی نیز، افزایش قدرت ملی، افزایش مشروعیت و اعتبار بین‌المللی، افزایش قدرت چانه‌زنی و پیشینه‌سازی توان برآورده‌ساختن منافع ملی و ارتقاء پرستیژ بین‌المللی است. در این چارچوب، یکی از مهم‌ترین پیام‌های انتخابات ریاست جمهوری برای جهان خارج، ثبات و امنیت داخلی پایدار جمهوری اسلامی ایران است. در شرایطی که بسیاری از کشورهای هم‌جوار ایران و حتی کشورهای اروپایی، یا درگیر بحران و جنگ داخلی‌اند و یا با پدیده شوم تروریسم در مرزهای داخلی خود دست‌وپنجه نرم می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران به‌خوبی این تصویر را از خود صادر می‌نماید که در منطقه‌ای که در کانون و اوج ناامنی جهانی است، از چنان امنیت و ثبات داخلی برخوردار است که چنین انتخاباتی امن با مشارکت حداکثری را رقم می‌زند.

این موضوع، به دو صورت به ارتقاء جایگاه بین‌المللی ایران کمک می‌نماید: نخست، به بازیگران منطقه‌ای و جهانی نشان می‌دهد که برای ایجاد ثبات در منطقه و حل معضل تروریسم می‌باید بر روی پتانسیل‌های ایران بیشتر تمرکز نمایند؛ و دوم، این امنیت و ثبات، به شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی اعتماد و اطمینان بیشتری برای سرمایه‌گذاری در ایران می‌بخشد.

نتیجه‌ی مهم دیگر، افزایش مشروعیت و اعتبار بین‌المللی ایران است. به‌طور کلی نظام‌های سیاسی جهان با همه‌ی تفاوت‌های ریزودرشتی که با هم دارند در دو دسته کلی نظام‌های مردم‌سالار و یا غیر مردم‌سالار قرار می‌گیرند. در جهانی که در آن دموکراسی یک ارزش سیاسی والا به حساب می‌آید، داشتن یک نظام مردم‌سالار به‌خودی‌خود افزایش مشروعیت و اعتبار بین‌المللی را برای هر کشوری به ارمغان می‌آورد. حال اگر در این نظام مردم‌سالار یک انتخابات آزاد و واقعی با مشارکتی حداکثری و بالای ۷۰ درصدی را آن هم در شرایطی که پیشروان دموکراسی در غرب در بهترین حالت در انتخابات خود مشارکتی حداکثر ۵۰ درصدی را رقم می‌زنند، این مشروعیت و اعتبار بین‌المللی به شکلی دوچندان خودنمایی می‌نماید.

نتیجه‌ی دیگر این انتخابات که بر جایگاه بین‌المللی ایران اثرگذار خواهد بود، به رخ کشیدن یک انتخابات آزاد و برخوردار جمهوری اسلامی ایران از یک نظام مردم‌سالاری دینی است. این انتخابات به جهانیان نشان می‌دهد که ایران برخلاف بسیاری از کشورهای همسایه‌اش که یا گرفتار حکومت‌هایی خودکامه‌اند، یا درگیر بی‌ثباتی و جنگ داخلی‌اند و یا گرفتار تروریسم، خشونت و افراطی‌گری‌اند، دارای یک نظام سیاسی مردم‌سالار دینی است که قادر است با جذب شهروندان مقیم خارج از کشور به پای صندوق‌های رأی، مرزهای مشارکت مردمی را از مرزهای ملی به مرزهای جهانی جابجا سازد.

یکی دیگر از پیامدهای که برگزاری انتخابات در کشورها دارد، پیامی است که در مورد رویکرد و نحوه‌ی تعامل با جهان صادر می‌کند. تداوم سیاست‌های گذشته در عرصه بین‌المللی و



خواهانه در عصر مدرن است (d'Aspremont, 2006: 881-884). عدم دخالت در امور داخلی کشورها امروزه اصل جاافتاده‌ای قلمداد شده و در دهه های اخیر، تفسیرهای جدیدی از این اصل شده، که حاکی از ضرورت دخالت یا عدم دخالت به نفع جریان‌های دموکراسی خواه یا علیه دولت‌های غیر دموکراتیک است.

به طور مثال در سال ۹۲ پس از مشارکت بالا و دیده شدن چنین مشارکتی در سطح بین‌الملل شاهد آن بودیم که کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای با دولت مذکور سعی در تعامل داشتند که در سال ۱۴۰۰ و پس از انتخابات این موضوع تنها در سطح همسایگی دیده می‌شود و حتی پس از اتفاقاتی که در بعد داخلی (۱۴۰۲) افتاد، شاهد دست‌اندازی و آتش‌افروزی کشورهای خارجی و حتی منطقه‌ای به این موضوع بوده‌ایم.

### نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران بعد از پیروزی خود همواره در بحث رقابتی و مشارکتی با فراز و نشیب‌های زیادی مواجه بوده است، اما آنچه در تمامی این پستی و بلندی‌ها اهمیت بیشتری داشته است، حضور شهروندان جامعه در این رقابت‌ها می‌باشد. وجود مردم در پای صندوق رأی (به عنوان عاملی در جهت مشارکت) همواره پایه‌های ورود بیگانگان به کشور را سست نموده است، اما مخالفان در بیرون از کشور حتی ثابتهای از تحریک دست برنداشته؛ و تمامی تلاش خود را در جهت ضربه به نظام خواهند نمود، به همین دلیل نگاه به آینده نوع رقابت و مشارکت در کشور بسیار ضروری به نظر می‌رسد. در حقیقت مشارکت‌افزایی در بحث رقابت‌های سیاسی، یکی از الزامات شکل‌گیری نظام مردم‌سالاری دینی، تحقق جامعه مدنی، توسعه سیاسی، مقبولیت سنجی تصمیم‌های استراتژیک نظام و از شاخص‌های مشروعیت سنجی ساختارهای حکومتی است که در اسناد بالادستی نیز به عمل‌گرایی و بسترسازی برای تحقق آن تأکید شده است.

مشارکت سیاسی از دو طریق راه‌هایی را برای بازسازی و تحکیم جایگاه بین‌المللی کشور فراهم می‌کند. از یک سو با نشان دادن هنجارهای دموکراتیک از جمله انتخابات آزاد و عادلانه و مشارکت سیاسی در عرصه بین‌المللی، اعتبار و مشروعیت بین‌المللی حکومت را تقویت می‌کند و از سوی دیگر زمینه‌سازی برای اجرای سیاست‌های متفاوت و سازنده را تقویت می‌کند و در برخی موارد به دلایلی نفوذ و جایگاه بین‌المللی دولت کاهش می‌یابد و برای اجرای ایده‌ها و برنامه‌های جدید نیاز به جبران است. حتی در دولت‌های دموکراتیک، نخبگان اجرایی ممکن است به دلایلی مانند ملاحظات شهرت در برابر حذف سیاست‌های ناکارآمد مقاومت کنند. همچنین ممکن است دولت‌های دیگر نیز به دلیل بی‌اعتمادی از همکاری مجدد با این دولت‌ها خودداری کنند؛ موضوعی که در سال ۱۳۹۲ (همکاری بالا) و ۱۴۰۰ (همکاری پایین) خود را به خوبی نشان داده است.

نتیجه فرآیند مذکور مستقیماً بر مشارکت سیاسی فعال و بالا در کشور مرتبط است که در سال ۱۳۹۲ و ۱۴۰۰ سه مؤلفه اثرگذار و متفاوت بر این موضوع دخالت داشت: اول، احراز و رد صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان؛ دوم، مشکلات اقتصادی و ناکارآمدی مسئولان؛ و سوم،



تک‌قطبی شدن انتخابات.

این موضوع در بعد بین‌المللی نیز خود را در چارچوب موضوعی صلح و مشروعیت بین‌المللی نشان می‌دهد. به‌طور مثال ما در سال ۱۳۹۲ و پس از مقبولیت حداکثری دولت شاهد به سرانجام رسیدن موضوعی مانند برجام و ایجاد صلح در کشور هستیم و در سال ۱۴۰۰ با مقبولیت حداکثری دولت در کشور شاهد کاهش مشروعیت بین‌المللی از بین رفتن مسئله برجام و حرکت به سوی ناآرامی‌ها (اتفاقات سال ۱۴۰۲ در کشور) می‌باشیم که در سطح بین‌الملل بر قدرت و امنیت داخلی لطمه وارد نموده است.

بنابراین با توجه به شرایط موجود یعنی وجود ساختارهای برخاسته از انقلاب اسلامی و همچنین تغییرات فرهنگی که متأثر از پدیده جهانی شدن فرهنگی و تغییرات ناشی از این فرآیند است، فرآیند عقلانی شدن فرهنگ سیاسی در جامعه ایران باید آگاهانه انجام شود. راهکار این بحث نیز، توجه به تشریح ساختارهایی است که شهروندان در قبال سه سطح نظام سیاسی (نظام، فرآیند، سیاست‌گذاری) دارند که با ایجاد اعتمادی دوباره توسط مسئولان نسبت به مردم تحقق این امر امکان‌پذیر است. بنابراین در کنار استفاده از ارتباط بین دولت و مردم، یکی از عناصر اصلی فرهنگ سیاسی است. شناسایی دلایل عدم شکل‌گیری سنت و فرهنگ سالم سیاسی در ایران در طول تاریخ سیاسی این سرزمین، زمینه‌ساز تحولات مثبت در تمامی عرصه‌های موجود در عرصه فرهنگ سیاسی و قوانین فرهنگی-سیاسی است.

## منابع

۱. ازغندی، ع. (۱۳۹۴). چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: قومس.
۲. بشیریه، ح. (۱۴۰۱). موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: گام نو.
۳. رایش، م. (۱۳۹۹). جامعه و سیاست. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: سمت.
۴. ریس کاپن، ت. (۱۳۸۵). صلح مردم‌سالارانه مردم سالاری‌های جنگ طلب؟: تفسیر مکتب برسازی اجتماعی از استدلال لیبرال‌ها. ترجمه علیرضا طیب. تهران: وزارت امور خارجه.
۵. سعیدی، م. ر. (۱۳۹۸). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، تهران: سمت.
۶. شهرام‌نیا، س. ا. م. (۱۳۸۶). جهانی‌شدن و دموکراسی در ایران. تهران: نگاه معاصر.
۷. شهبازی، م. (۱۳۸۰). تقدیر مردم‌سالاری: نقش انتخابات در روند دموکراسی ایران. تهران: روزنه.
۸. عباسی، خ. (۱۴۰۱). بررسی جامعه‌شناختی کنش انتخاباتی ایرانیان در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۰. فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۱۳ (۴)، ۷۳-۴۱.
۹. غفاری، غ. ر. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت. تهران: نشر نزدیک.
۱۰. کیانی، و.، ازغندی، ع.، و طاهری، ا. (۱۴۰۱). بررسی و تجزیه و تحلیل تأثیر مشارکت سیاسی بر امنیت ملی در دولت اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴). فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵ (۱۰)،

۳۲۰۵-۳۳۹۳.

۱۱. میلانی، م. (۱۳۸۵). شکل‌گیری انقلاب اسلامی: از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده. تهران: گام نو.
۱۲. واینرو، م. هانتینگتون، س. (۱۳۹۹). درک توسعه سیاسی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

### English References

1. d'Aspremont, J. (2006). Legitimacy of Governments in the Age of Democracy NYU. *Journal of International Law and Politics*, 38(4), 877-917.
2. Kaase, M., & March, A. (1979). Political Action; A Theoretical Perspective. in: Samuel Barnes, Max Kaase and et.al., *Political Action: Mass Participation in Five Western Democracies*. London: Sage.
3. Milbrath, W., & Goel, M. (1977). *Political Participation. How and Why People Get Involved in Politics*. Chicago: Rand Mc Nally.
4. Parry, G., Moyser, G., & Day, N. (1992). *Political Participation and Democracy in Britain*. Cambridge: Cambridge University Press.
5. Verba, S., & Nie, N. (1979). *Participation in America: Political Democracy & Social Equality*. New York: Harper & Row.

### Translated References to English

1. Abbasi, Kh. (2023). Sociological investigation of the electoral action of Iranians in the presidential elections in 1400. *Journal of Cultural Sociology*, 13(4), 41-73. **(In Persian)**
2. Azghandi, A.R. (2014). The frameworks and orientations of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Qoms. **(In Persian)**
3. Bashiriyeh, H. (2002). Obstacles to political development in Iran. Tehran: New step. **(In Persian)**
4. d'Aspremont, J. (2006). Legitimacy of Governments in the Age of Democracy NYU. *Journal of International Law and Politics*, 38(4), 877-917.
5. Ghafari, G.R. (2007). Sociology of participation. Tehran: Nash Neshar. **(In Persian)**
6. Kaase, M., & March, A. (1979). Political Action; A Theoretical Perspective. in: Samuel Barnes, Max Kaase and et.al., *Political Action: Mass Participation in Five Western Democracies*. London: Sage.
7. Kiani, V., ASzhgandi, A., and Taheri, A. (2021). Investigation and analysis of the impact of political participation on national security in the reform government (1376-1384). *Iranian Journal of Political Sociology*, 5(10), 3293-3305. **(In Persian)**

8. Milani, M. (2016). *The Formation of the Islamic Revolution: From the Pahlavi Monarchy to the Islamic Republic*. Translated by Mojtaba Attarzadeh. Tehran: New step. **(In Persian)**
9. Milbrath, W., & Goel, M. (1977). *Political Participation. How and Why People Get Involved in Politics*. Chicago: Rand Mc Nally.
10. Parry, G., Moysen, G., & Day, N. (1992). *Political Participation and Democracy in Britain*. Cambridge: Cambridge University Press.
11. Reich, M. (2019). *Society and politics*. Translated by Manouchehr Sabouri Kashani, Tehran: Smet. **(In Persian)**
12. Reyes Capen, T. (2006), *Democratic peace of bellicose democracies?: The interpretation of the school of social construction from the arguments of liberals*. Translated by Alireza Tayeb. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. **(In Persian)**
13. Saidi, M.R. (2018), *an income on public participation and non-governmental organizations*, Tehran: Samit. **(In Persian)**
14. Shahbazi, M. (2008). *Determining democracy: the role of elections in Iran's democracy process*. Tehran: Rozeneh. **(In Persian)**
15. Shahramnia, S.A.M. (2016). *Globalization and democracy in Iran. Tehran: Contemporary view*. **(In Persian)**
16. Vainro, M. Huntington, S. (2019). *Understanding Political Development*, translated by Strategic Studies Research Institute, Tehran: Strategic Studies Research Institute. **(In Persian)**
17. Verba, S., & Nie, N. (1979). *Participation in America: Political Democracy & Social Equality*. New York: Harper & Row.

